

70-81



الْمَرْءُ الْبَالِغُ أَحْكَامًا مِنَ الدِّينِ فَلَمْ يَتَّصِفْ بِشَيْءٍ
 مِنْ زَوْجِهَا وَإِنْ حَكَمْنَا بِصِتِّهِ النَّكَاحُ بِنَظَائِرِ الْإِسْلَامِ
 یعنی هر چکایسکه طلب توصیف کرده شود زن بالغه
 از احکام ایمان کوید که نمیدانم طلاق باین شود
 از زوجهش اگر چه حکم کنیم بصتت نکاح بنظایر اسلام
 درستی آوردی است که شخص کنیز کی خرید که آن
 نیز که احکام ایمان را نمیداند بانکه او مشرک است
 مولی را با همی آن مجامعت نمودن حرام است
 باید که اول احکام ایمان را بیاموزد پس مجامعت
 و ملائکه آوردی است که اگر قصباتی احکام دارگان
 ایمان رزندانند فرج کرده او حرام باشد و در
 خلاص آوردی است که مولی را واجب است که بنده گان
 خود را احکام ایمان دارگان اسلام بیاموزد
 و از قرآن آن مقدار بیکه نماز بان روا باشد بیاموزد
 و همچنین با اهل بیت و مجارم خود زیرا که پیغمبر است

علیه السلام فرموده است که کلام راع و کلام مشرک
 عن رعیته یعنی هر یکی از شمایان پاسبانانید و
 هر یکی از شمایان را پرسیده خواهد شد از رعیته خود
 مثلا پدر را از اولاد و غیر از ادای حقوق اولاد و او
 را از پدر یعنی از ادای حقوق پدر و همچنین این حکم جا
 در جمیع افراد است اگر پرسند که واجبات ایمان
 چیست جواب بگو که دو از ده است اول با علما صحبت
 داشتن دوم از منافقان دور بودن سوم تشنه را
 آب دادن چهارم بیمار را پرسیدن پنجم در وقت
 شفت نمودن ششم فرزندان خود را اسلام آوردن
 هفتم اهل عیال خود را نمازگزاران و ختن هشتم دست
 یتیمان مالیدن نهم مرده را شستن و هم چیز ایدار
 را از دست برداشتن // کردن یازدهم زیاده پدر و مادر نمودن
 و بیستم طواف خانه کعبه نمودن اگر پرسند که
 ایمان چیست جواب بگو که درست یکی دنیوی و دیگری

اخروی اما حکم دنیوی ایمان امان یافتن نفس و
 مال است که هر کسی که ایمان آورد نفس او از کشته شدن
 و مال او از تلف شدن ایمن است و خون او مثل خون
 مسلمان و مال او مثل مال مسلمان در احکام شرع بر او
 اما حکم اخروی ایمان نجات از آتش دوزخ است
 و رسیدن به نعیم جنت اللهم ارزقنا اگر پرسند که
 شرایط ایمان چند است جواب بگویم که هفت است اول ایمان
 بغیب آوردن یعنی پیش از آنکه عذاب خدا در تعالی
 بیند و اگر بعد از معاینه دیدن عذاب ایمان آورد
 اگر ایمان باس گویند و ایمان باس نامقبول است
 چنانچه گفته اند که هر کس را از مؤمنان کافر در وقت
 موت بمقام او را از بهشت یا از دوزخ مینمایند
 و مؤمن را گویند که اگر کافر می فردی جای تو او را بگو
 از دوزخ و حال آنکه از دنیا با نور ایمان میروی
 تو اینک بهشت بس آسایش باشد و با کافران

گویند که اگر تو مسلمان بودی حاجی تو این بود که از بیت
 و جلالا که ارس عالم بگفیر می وی پس مقام تو این
 موضع است و وزخ بس در بندشمانی باشد دوم
 علم غیب خاصه خدا تعالی در دستن سوم بهرت
 و دوزخ را نادیده گردیدن چهارم جلال و اجلال
 دستن پنجم حرام را حرام و نهستن که اگر شخص حلال
 کرده او تعالی را اجلال نداند و حرام کرده او را
 حرام نداند کافر گردد و اگر چه کلمه شهادت را
 بر زبان میرانده باشد و نماز و روزه میدهد باشد
 ششم از عذاب خدا ایضا رسیدن و از رحمت او بیار
 بودن اگر پرسند که کمال ایمان چند خیر است جواب
 سه چیز است اول شاد بودن در یافتن ایمان دوم عمل
 نیک و ال ایمان سوم رسیدن از تبتانند ایمان
 اگر پرسند که حقیقت ایمان چیست جواب اول که از روی
 یکی است چه هر دو بمنزله نقاد است و در اصطلاح معا